

تحلیل چالش‌های فراروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی ایران^۱

مجید رضائیان*^۲
محمدعلی توکل کوثری^۳
عبدالرحیم نوه ابراهیم^۴

چکیده

در این مقاله به تحلیل چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی پرداخته شده است. جامعه آماری شامل مسئولین این مؤسسات در سراسر کشور بوده که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۲۰۱ نفر از آنان به‌عنوان جامعه نمونه در نظر گرفته شده‌اند. برای گردآوری داده‌ها از شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه سود جسته و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به روش کمی انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که نظام آموزش عالی غیرانتفاعی به نحو بارزی متأثر از شرایط محیطی بوده و وجود چالش‌های مختلفی، ادامه فعالیت آن را با دشواری همراه کرده است. در میان موارد مذکور چالش‌های مربوط به ساختار اداری و سازمانی از بالاترین رتبه برخوردار بوده و پس‌از آن به ترتیب، چالش‌های ناشی از اقدامات وزارت علوم، نبود و یا کمبود برخی از قوانین و مقررات، مشکلات مالی و اقتصادی، مسائل آموزشی و موارد ناشی از شرایط اجتماعی قرار دارد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، بخش خصوصی، غیرانتفاعی، چالش‌ها، مشارکت

^۱ مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی ایران» است که اسفند ۱۳۹۴ در دانشگاه تهران به اتمام رسیده است.

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: Rezaeian@soore.ac.ir

^۳ استاد جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، پست الکترونیک: Mtavakol@ut.ac.ir

^۴ استاد مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، پست الکترونیک: Navehebrahim@khu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

پرورش نیروی انسانی متخصص برای دستیابی به توسعه پایدار و متوازن، مستلزم برخورداری جامعه‌ها از آموزش عالی پویا و کارآمد است و جزء با ایجاد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نمی‌توان بدین مقصود نائل شد. به‌رغم وجود این نکته، یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها در مسیر توسعه، مشکل تأمین بودجه و منابع مالی کافی برای گسترش آموزش عالی است. این کمبود بودجه از سویی و همچنین تقاضای روزافزون برای این نوع آموزش از سوی دیگر باعث شده که آموزش عالی و نحوه توسعه آن به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولین امر در جوامع مختلف تبدیل شود. حل این مسئله به‌عنوان ضرورتی انکارناپذیر در فرایند توسعه، دولت‌ها را به اتخاذ شیوه‌های مختلفی وادار کرده است. تصویب قوانین مختلف در این زمینه و مطرح نمودن آن در سطوح مختلف سیاسی کشورها و تفاوت دیدگاه‌ها در زمینه گسترش این نوع از آموزش، گاهی اوقات، بخش آموزش عالی را با چالش‌های مختلفی مواجه کرده است (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۷).^۹

در این میان نتایج حاصل از بررسی الگوهای متداول باز توزیعی در آموزش عالی بر هدفمند ساختن روش‌ها و سازوکارهای باز توزیعی از طریق تخصیص مجدد منابع ملی و اختصاص یارانه‌های عمومی و جلب مشارکت‌های بخش خصوصی تأکید دارد. امروزه خصوصی‌سازی آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای کاهش فشار در حال رشد جهت دسترسی به فرصت‌های آموزشی بیشتر و جبران ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گرفته و مزایای آن موجب شده تا طی سه دهه اخیر بسیاری از کشورهای جهان برای برون‌رفت از مشکلات و تنگناهای خود بدان روی آورند ولی علی‌رغم فراهم شدن تمهیدات لازم و رواج خصوصی‌سازی در آموزش عالی، کماکان فعالیت این بخش با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که در ضمن این نوشتار به ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود.

همان‌طور که آورده شد، بسیاری از دولت‌ها در کشورهای مختلف برای رویارویی با افزایش دائمی هزینه‌های آموزش عالی و به‌منظور افزایش کار آیی اجتماعی و اقتصادی آن، رشد بخش خصوصی را تأیید و تشویق کرده‌اند. «بانک جهانی نیز از این اصلاحات حمایت نموده است. این بانک دولت‌ها را بیشتر در سرمایه‌گذاری در بخش آموزش ابتدایی و متوسطه حمایت کرده و از آن‌ها خواسته است تا سرمایه‌گذاری در بخش آموزش عالی را به بخش خصوصی واگذار نمایند» (همان).

در کشور ما نیز از حدود ۶ دهه پیش، مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی موردتوجه قرار گرفت و به‌تدریج از سال ۱۳۳۷ به بعد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی یکی پس از دیگری تأسیس شده و به فعالیت پرداخته است. البته آموزش عالی غیردولتی در طول دوره فعالیت خود مسیر پرفرازونشیبی را پشت سر نهاده است به‌نحوی که می‌توان به سهولت دو دوره مشخص زمانی را برای فعالیت آن در نظر گرفت. دوره اول که از سال ۱۳۳۷ و با تأسیس نخستین مؤسسه آموزش عالی خصوصی آغاز گردیده و تا پیش از انقلاب فرهنگی ادامه داشته است. دوره دوم فعالیت این بخش در آموزش عالی در سال‌های پس‌ازانقلاب فرهنگی شروع شده و با نوسانات قابل‌توجهی تاکنون ادامه یافته است. در حال حاضر صدها دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی در سطح کشور دایر بوده و با پذیرش دانشجو در دوره‌های مختلف، نقش مهمی در تربیت نیروی انسانی متخصص ایفا می‌کنند. البته این نکته به معنی آن نیست که هیچ‌گونه مانع جدی و یا مشکل خاصی بر سر راه این مراکز وجود ندارد، بلکه بررسی‌های مقدماتی گویای آن است که مشکلات و موانع مختلفی از ابتدای راه‌اندازی این مؤسسات، آن‌ها را در بر گرفته و حتی در برخی از موارد، ادامه حیاتشان را با مخاطره جدی روبرو ساخته است. البته نوع این مشکلات و شدت آن‌ها طی ۲۰ سال گذشته یکسان نبوده و هر از چند گاه بروز مسائل جدیدی، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را با دشواری مواجه ساخته است. پرداختن بدین مشکلات و موانع که به‌عنوان تهدیدی از بیرون بر سر راه آن‌ها قرار گرفته، به‌عنوان موضوع اصلی این پژوهش به شمار می‌آید. بر این پایه می‌توان پرسش اصلی تحقیق را به شرح زیر دانست:

^۹. OECD: Organization for Economic Co-operation and Development

مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی کدام است؟ وجود چالش‌های یادشده زمینه مناسبی برای مطالعه حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی را فراهم کرده است که البته تاکنون کمتر توجهی بدان شده و معدود مطالعات موجود نیز بیشتر با رویکرد اقتصاد و مدیریت آموزش صورت گرفته است.

سؤال‌های پژوهش

با توجه به پرسش اصلی، می‌توان سؤال‌های تحقیق را به شرح زیر دانست:

۱. اقدامات وزارت علوم چه مشکلاتی را برای مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به وجود آورده است؟
۲. کدامیک از مشکلات مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی ناشی از ساختار اداری و سازمانی موجود است؟
۳. کدامیک از مشکلات مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی ناشی از قوانین و مقررات موجود است؟
۴. مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با کدامیک از مشکلات مالی و اقتصادی روبه‌رو است؟
۵. مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با چه مشکلاتی در حوزه امور آموزشی روبه‌رو است؟
۶. مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با کدامیک از مشکلات اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو است؟

ادبیات پژوهش

در جامعه‌شناسی علم، علاوه بر مطالعه نهاد علم و تحولات آن، به وضعیت مؤسساتی که در امر تولید، کاربردی کردن و انتقال دانش مشارکت دارند، پرداخته می‌شود و از این‌رو تحلیل وضعیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، از جمله موضوعات موردتوجه در این حوزه است.

مروری بر مطالعات انجام‌شده در جامعه‌شناسی علم حاکی از تعدد و تنوع دیدگاه‌های مختلف درباره نهاد علم و آموزش عالی است. از جمله صاحب‌نظرانی که به مطالعه دیدگاه‌های مختلف در این حوزه پرداخته است، می‌توان به بن داوید اشاره کرد. وی دو جهت‌گیری کلی را در این حوزه شناسایی کرده است. نخست رویکرد کنش متقابلی که در آن می‌توان تحقیقاتی در مورد مناسبات درونی گروه‌های تحقیق و تأثیراتشان بر تولید علمی، شبکه‌های ارتباطی درون علم، ماهیت و ساختی شدن روابط درونی حوزه‌های خاص از علم را جای داد و دوم رویکرد برون‌گرا که در آن علم در هر دو وجه شناختی و اجتماعی‌اش باید تماماً یا تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل خارج از خود فهم شود. نظر مزبور، جامعه‌شناسان را اعم از کسانی که درکی را در ساختار کلی اجتماعی - اقتصادی ریشه‌یابی می‌کنند و همچنین کسانی که ریشه آن را در فرهنگ، هنجارهای کلی جامعه یا ایدئولوژی جستجو می‌کنند، در برمی‌گیرد (ر.ک توکل، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۸۹).

با اندکی تأمل در موضوع این مقاله می‌توان دریافت در جریان این پژوهش از رویکرد برون‌گرا پیروی شده است و سعی گردیده نقش عوامل محیطی در عملکرد بخش خصوصی آموزش عالی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. کاوش در آراء و نظریات مطرح درباره موضوع تحقیق گویای آن است که به‌رغم مطالعات عدیده در این‌باره، نظریه منسجمی ارائه نشده است تا بتوان بر اساس آن متغیرهای مستقل و وابسته را شناسایی کرده و به ارائه فرضیه پرداخت. از این‌رو بنیان نظری پژوهش را بر نگرش سیستمی استوار ساخته تا بتوان از این منظر به تحلیل پدیده مورد مطالعه اقدام کرد.

در رویکرد سیستمی، هر سیستم مجموعه‌ای از عناصر یا اجزایی است که با یکدیگر وابستگی و ارتباط دارند. این عناصر با ایجاد شبکه‌ای از روابط متقابل، یک کل پویا را شکل می‌دهد که دارای درجه‌ای از تداوم و حدودمرز نسبتاً مشخصی است. در جامعه‌شناسی هنگامی که مفهوم سیستم به‌کاربرده می‌شود منظور توصیف گروهی از پدیده‌هاست که متقابلاً وابسته به یکدیگرند به شیوه‌ای که به انجام کار یا وظیفه‌ای یا دستیابی به هدف مشترکی کمک می‌کند. سیستم‌ها همیشه در درون محیط ویژه‌ای وجود دارند و در کنش متقابل با آن هستند (صبوری، ۱۳۷۴: ۱۷۰).

سیستم‌های اجتماعی را می‌توان نوعی از سیستم‌های باز به شمار آورد. این سیستم‌ها اهداف چندگانه و متنوعی را دنبال می‌کنند. تغییرپذیری در سیستم‌های اجتماعی بیشتر از سیستم‌های زیست‌شناختی است. سیستم‌های اجتماعی را انسان‌ها به وجود می‌آورند و هسته آن‌ها، کنش یا الگوهای پیچیده رفتاری در انسان‌هاست. ویژگی برجسته سیستم اجتماعی این است که میان تعداد زیادی از کنشگران رابطه برقرار می‌کند و شبکه‌ای از روابط میان آن‌ها را موجب می‌شود. کنشگران می‌توانند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و یا طبقات اجتماعی باشند (قلی پور، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

با توجه به آنچه درباره سیستم و بالأخص سیستم اجتماعی آورده شد، می‌توان گفت سازمان‌ها بسیاری از خصوصیات سیستم‌های اجتماعی را دارا هستند و از این رو می‌توان آن‌ها را در زمره این‌گونه سیستم‌ها به شمار آورد. سازمان‌ها در سلسله‌مراتب طبقه‌بندی سیستم‌ها جزء پیچیده‌ترین سیستم‌های شناخته‌شده است. بر این اساس هر سازمانی در یک محیط خاص فیزیکی، فنی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارد که باید خود را با آن وفق دهد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت که محیط تأثیر زیادی بر سازمان دارد که می‌تواند تعیین‌کننده ساختار و نوع عملکرد آن باشد.

از منظر سیستمی می‌توان جامعه را به‌منزله محیطی دانست که سازمان به‌عنوان یک سیستم اجتماعی در آن قرارگرفته است و می‌توان انتظار داشت که سازمان متأثر از جامعه پیرامون خود بوده و در ارتباط متقابل با محیط، از شرایط اجتماعی تأثیر پذیرد (قلی پور، ۱۳۸۸: ۱۳۴). ملاحظه می‌شود که در مفهوم سازمان به‌عنوان یک سیستم اجتماعی توجه زیادی به محیطی می‌شود که سازمان در آن فعالیت می‌کند. سازمان در این مفهوم بخشی از جامعه و نهادهای اجتماعی است و باید در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی به آن نگرسته شود.

بر پایه آنچه آورده شد، می‌توان مؤسساتی را نیز که به امر تولید و اشاعه علم می‌پردازد، همانند هر سازمان دیگر به‌عنوان یک سیستم اجتماعی در نظر گرفت که البته متأثر از محیط پیرامون خود است. از جمله این مراکز می‌توان به مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی اشاره کرد که در واقع به‌عنوان بخش خصوصی آموزش عالی به فعالیت می‌پردازد. این بخش که در حال حاضر متشکل از ۳۵۵ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی است بیشتر از سایر خرده نظام‌های آموزش عالی، متأثر از عوامل موجود در محیط پیرامون است. این عوامل در برخی از موارد، آثار مثبتی بر سیستم آموزش عالی خصوصی دارد که موجب رشد و توسعه آن در ابعاد مختلف می‌شود و بعضی دیگر، تأثیر منفی بر سیستم مذکور داشته و نه تنها عملکرد آن را با اختلال روبه‌رو ساخته بلکه ادامه حیات آن را نیز تهدید می‌کند. این دسته از عوامل که در واقع می‌توان آن‌ها را به‌عنوان چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی به شمار آورد، از تعدد و تنوع خاصی برخوردار است که می‌توان آن‌ها را برحسب ماهیت تحت‌عناوینی از قبیل چالش‌های اجتماعی، اداری و سازمانی، علمی، آموزشی و ... دسته‌بندی کرد.

درباره چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی تاکنون تحقیقات مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام‌شده که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

آل لامکی^۶ (۲۰۰۶) در مقاله «توسعه آموزش عالی خصوصی در کشور پادشاهی عمان»، مشخص نبودن سیاست‌های دولت در مورد مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این مؤسسات را در شمار چالش‌های پیشروی بخش خصوصی آموزش عالی کشور عمان آورده است.

جونز^۷ (۱۹۹۲) در مقاله «خصوصی‌سازی در بخش آموزش عالی»، محدودیت طبقات کم‌درآمد در راه‌یابی به آموزش عالی غیردولتی را به‌عنوان یکی از چالش‌های مطرح‌درزمینه^۸ فعالیت بخش خصوصی آموزش عالی ذکر کرده است.

محمود^۸ (۲۰۰۸) نیز به دسترسی نداشتن طبقات پایین جامعه به آموزش عالی خصوصی توجه داشته و در مقاله «چالش‌های پیشروی خصوصی‌سازی آموزش عالی در جهان عرب»، بدان پرداخته است.

^۶. Al-Lamki

^۷. Jons

مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷) ضمن مروری بر تاریخچه و سیمای کلی بخش خصوصی آموزش عالی در ایران، به تشریح چالش‌های پیشروی این بخش پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به مواردی از قبیل افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجو در زیر نظام‌های دیگر آموزش عالی، نبود شرایط مناسب اعطای بورس تحصیلی به اعضای هیئت‌علمی این مؤسسات، نبود همکاری لازم و مناسب سازمان‌های دولتی، اطلاع‌رسانی غلط رسانه‌های جمعی درباره این مؤسسات، وجود موانع بر سر راه توسعه مؤسسات برای گرفتن رشته، مقطع و دانشجو از وزارت علوم، تأخیر در پرداخت وام شهری و یارانه غذای دانشجویی از سوی وزارت علوم، مشکلات ناشی از خرید زمین، احداث بنا و ساختمان برای توسعه، مشکل در اخذ تسهیلات مالی، تناسب نداشتن شهریه تعیین‌شده برای دانشجویان با مخارج مؤسسات، محصور شدن در ضوابط و مقررات ابلاغ‌شده از سوی وزارت علوم، معاف نبودن از برخی مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌های بیمه و ناکافی بودن حمایت‌های مالی و حقوقی دولت و وزارت علوم، اشاره کرد.

نادری و دیگران (۱۳۹۱) در «طرح آمایش آموزش عالی کارگروه توسعه غیرانتفاعی از ۸۹ تا ۹۱» به پاره‌ای از چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی اشاره کرده‌اند که از جمله می‌توان به افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های پیام نور، آزاد و علمی- کاربردی، تناسب نداشتن شهریه تعیین‌شده برای دانشجویان با مخارج مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، احتمال کاهش داوطلبان ورود به دانشگاه به علت کاهش رشد جمعیت، تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی غیردولتی، استفاده نکردن از این‌گونه مؤسسات در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین مقررات، مشکلات ناشی از خرید زمین، احداث بنا و ساختمان برای توسعه، مشخص نبودن سیاست‌های وزارت علوم، وجود موانع بر سر راه توسعه مؤسسات و بروز تخلفاتی از قبیل رشوه و رانت برای گرفتن رشته، مقطع و دانشجو از وزارت علوم، ناکافی بودن حمایت‌های مالی و حقوقی دولت و وزارت علوم و جذب استادان نخبه و مجرب و در سطح بالا در دانشگاه‌های دولتی و استفاده از اساتید در سطح پایین در مؤسسات غیردولتی، اشاره کرد.

اسدی و دیگران (۱۳۹۲) در گزارش دفتر آموزش عالی غیردولتی، مواردی از قبیل استفاده نکردن از این مؤسسات در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین مقررات، نبود یک نظام رتبه‌بندی مناسب برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، فقدان مقررات و ضوابط جامع و به‌روز و خاص بخش غیردولتی، نبود ضوابط یکسان برای توسعه مؤسسات (وجود روابط ناعادلانه)، ضعف در برخورد قانونی با مؤسسات متخلف و فاقد کیفیت، وجود موانع بر سر راه توسعه مؤسسات و بروز تخلفاتی از قبیل رشوه و رانت برای گرفتن رشته، مقطع و دانشجو از وزارت علوم، تمایل نداشتن دانشجویان به تحصیل در برخی از رشته‌ها مانند علوم پایه و کشاورزی، تأخیر در پرداخت وام شهری و یارانه غذای دانشجویی از سوی وزارت علوم، مشکلات ناشی از خرید زمین، احداث بنا و ساختمان برای توسعه و فقدان مصوبات حمایتی و قانونی از جانب وزارت علوم برای ارائه تسهیلات لازم به مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را در شمار چالش‌های پیشروی این بخش آورده‌اند.

ربیعی و نظریان (۱۳۹۱) در پژوهش خود به دنبال شناسایی چالش‌ها و موانع گسترش آموزش عالی خصوصی در ایران برآمده‌اند. یافته‌های این تحقیق گویای آن است که مواردی از قبیل فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه و وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی در زمره مهم‌ترین چالش‌های این بخش به شمار می‌رود.

اسدی (۱۳۹۰) در رساله دکترای خود تحت عنوان «چالش‌های مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی»، وجود تلقی از مفهوم غیرانتفاعی که مترادف با عدم جدیت و سخت‌کوشی است را به‌عنوان چالش جدی بر سر راه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی ذکر کرده است.

آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) در مقاله «خصوصی سازی در آموزش عالی»، یکی از چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی را اعتبار ضعیف این‌گونه مراکز در نزد مردم و سازمان‌ها، دانسته‌اند.

علاوه بر آنچه آورده شد، برخی از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امور اجرایی بر پایه مطالعات و تجربیات خود به وجود برخی از موانع و چالش‌ها بر سر راه فعالیت بخش خصوصی آموزش عالی اشاره کرده‌اند که از آن جمله می‌توان تمایل نداشتن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی به تدریس در برخی از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، اختصاص تبعیض آمیز ردیف بودجه از سوی دولت به برخی از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، تمایل نداشتن خیرین به کمک‌رسانی، ناتوانی برخی از دانشجویان در پرداخت شهریه، عملی نبودن استاندارد تعیین‌شده از سوی وزارت علوم درباره نسبت اعضای هیئت‌علمی به دانشجو برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، گسترش بی‌رویه پردیس‌ها و شعب دانشگاه‌های دولتی، محدودیت اغلب مؤسسات آموزش عالی غیردولتی در استفاده از موقوفات، نذورات و خیرات موجود، وجود تبعیض در برخورداری از امکانات دولتی میان مؤسسات غیرانتفاعی با دانشگاه‌های دولتی، وجود مؤسسات شبه‌دولتی در فهرست مؤسسات غیرانتفاعی، محدودیت مؤسسات آموزش عالی غیردولتی در استفاده از تریبون‌های رسمی، محدودیت دانشجویان این‌گونه مراکز در استفاده از برخی خدمات آموزشی و پژوهشی دولتی و تمایل نداشتن سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی در جذب فارغ‌التحصیلان این مؤسسات را ذکر کرد.

روش پژوهش

این پژوهش را می‌توان برحسب روش، در زمره تحقیقات توصیفی و از نظر هدف به‌عنوان یک پژوهش کاربردی به شمار آورد. در تحقیق حاضر، چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی موردبررسی قرار گرفته است. بدین منظور با سود جستن از نتایج تحقیقات پیشین، آراء صاحب‌نظران و یافته‌های مطالعات مقدماتی، فهرستی از موارد محتمل تهیه‌شده و برای سنجش، به‌صورت پرسشنامه در اختیار پژوهیدگان قرار گرفت.

در این تحقیق جامعه آماری عبارت از مسئولین کلیه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در سطح کشور است. تعداد این مراکز تا سال ۱۳۹۴، ۳۵۵ مورد بوده است که به شرح مندرج در جدول شماره ۱، در استان‌های مختلف توزیع شده است. واحد تحلیل در این تحقیق عبارت از سازمان می‌باشد. به تعبیر دیگر آنچه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، وضعیت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. نظر به تعدد مؤسسات و پراکندگی آن در سطح کشور، در این تحقیق از نمونه‌گیری استفاده شده است. بر این اساس با سود جستن از فرمول کوکران، حجم نمونه در ابتدا ۱۸۶ مورد محاسبه شد و همچنین شیوه تصادفی طبقه‌ای توزیع به نسبت برای نمونه‌گیری انتخاب گردید. بدین ترتیب که بدو نسبت نمونه به جامعه کل محاسبه شده و با ضرب کردن آن در تعداد مؤسسات هر استان، تعداد نمونه در هر یک از استان‌ها مشخص شد که البته پس از رند کردن اعداد، حجم نمونه در کل مقداری افزایش یافته و به ۲۰۱ مورد بالغ گردید.

جدول ۱: توزیع مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی در سطح استانها

نام استان	تعداد مؤسسه	تعداد نمونه محاسبه شده	تعداد نمونه گردآوری شده
آذربایجان شرقی	۱۷	۹	۱۲
آذربایجان غربی	۱۲	۶	۵
اردبیل	۵	۳	۱
اصفهان	۳۱	۱۶	۱۸
البرز	۲	۱	۲
ایلام	۲	۱	۱
بوشهر	۳	۲	۱
تهران	۱۹	۱۰	۱۲
خراسان جنوبی	۲	۱	۲
خراسان رضوی	۳۲	۱۷	۲۱
خراسان شمالی	۳	۲	۳
خوزستان	۶	۳	۳
چهارمحال بختیاری	۱	۱	۰
زنجان	۵	۳	۵
سمنان	۱۲	۶	۹
سیستان و بلوچستان	۶	۳	۵
فارس	۱۳	۷	۸
قزوین	۲۳	۱۲	۱۴
قم	۱۷	۹	۵
کردستان	۴	۲	۲
کرمان	۱۵	۸	۷
کرمانشاه	۵	۳	۲
کهگیلویه و بویر احمد	۴	۲	۱
گلستان	۱۴	۷	۷
گیلان	۲۰	۱۰	۱۱
لرستان	۶	۳	۴
مازندران	۴۶	۲۴	۲۵
مرکزی	۱۳	۷	۸
هرمزگان	۳	۲	۰
همدان	۷	۴	۵
یزد	۶	۴	۲
جمع	۳۵۵	۱۸۸	۲۰۱

برای گردآوری داده‌ها در این تحقیق از شیوه پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. بدین منظور ابتدا با سود جستن از مطالعه اسناد و مدارک، مصاحبه عمیق با ۲۷ تن از خبرگان، شرکت در جلسات بحث گروهی و تجربه زیسته محقق، فهرستی از چالش‌های

محتمل برای مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تهیه شد. سپس موارد یادشده (به انضمام مقولات دیگر مانند کارکردها و کز کارکردهای محتمل) به صورت پرسشنامه مختلط (مربک از سؤالات بسته و باز) تنظیم گردید. این پرسشنامه پس از تست اولیه و سنجش روایی، با استفاده از سامانه ERP متعلق به وزارت علوم، برای کلیه مؤسسات مورد مطالعه ارسال شد. لازم به ذکر است پاسخگویان پس از جواب دادن به سؤالات پرسشنامه، به تدریج آن را از طریق سامانه مذکور و یا روش‌های دیگر مانند فاکس و یا پست، آن را برای محقق باز پس فرستادند.

برای تعیین روایی ابزار گردآوری از روش اعتبار صوری (محتوایی) استفاده شده است. بدین منظور پس از نگارش پرسشنامه و تنظیم آن، برای داوری نزد ۱۴ نفر از خبرگان که جملگی از استادان دانشگاه و دست‌اندرکار امور آموزش عالی بودند ارائه شد که سرانجام پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش روایی سازه‌ای نیز از تحلیل عاملی استفاده شده است و از آنجا که مقدار KMO در کلیه ابعاد تعیین شده، از ۰/۷ بیشتر بود، روایی سازه‌ای با توجه به همبستگی موجود مورد تأیید قرار گرفت. به منظور تعیین پایایی پرسشنامه، در ابتدای امر و در مرحله پایلوت تعداد ۳۶ پرسشنامه در بین جامعه آماری که نمونه پژوهش از آن انتخاب شده بود، توزیع و سپس جمع‌آوری گردید و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های این پرسشنامه‌ها، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برابر با ۰/۹۱۲ به دست آمد. پس از اتمام مرحله گردآوری داده‌ها، بار دیگر از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده شد و با توجه به آن که مقدار ضریب مذکور (۰/۹۲۸) از ۰/۷ بیشتر بود، پایایی ابزار گردآوری مورد تأیید قرار گرفت.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های این تحقیق از روش کمی استفاده شده است. بدین منظور ابتدا داده‌های گردآوری شده استخراج گردیده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد پردازش قرار گرفت. برای تحلیل یافته‌ها ابتدا با استفاده از فرآورده‌های آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی (برحسب درصد) و برخی مشخصه‌های مرکزی و پراکندگی، به توصیف چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی پرداخته شد. سپس با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای به مقایسه میانگین به دست آمده با سطح مورد انتظار اقدام گردید.

یافته‌های پژوهش

مروری بر آنچه آورده شد، گویای آن است که مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، از ابتدای فعالیت خود با چالش‌های مختلفی روبرو بوده است. نظر به تعدد و تنوع موارد یادشده، در این قسمت ابتدا آن را به شش دسته اصلی تقسیم کرده و سپس به تشریح هریک از دسته‌های مذکور اقدام خواهد شد. لازم به ذکر است برای تعیین اهمیت هریک از این شش دسته، آن‌ها را برحسب میانگین، مرتب نموده که می‌توان حاصل آن را در جدول شماره ۲ ملاحظه کرد:

جدول ۲: رتبه‌بندی چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی

رتبه	میانگین (۵-۱)	نوع چالش
۱	۴/۳۲	ساختار اداری - سازمانی
۲	۴/۱۶	ناشی از اقدامات وزارت علوم
۳	۳/۸۸	موانع و محدودیت‌های قانونی
۴	۳/۸۷	مشکلات مالی و اقتصادی
۵	۳/۶۸	مسائل آموزشی
۶	۳/۳۶	شرایط اجتماعی

با نگاهی به جدول شماره ۲ می‌توان دریافت که در این میان چالش‌های اداری و سازمانی از بالاترین رتبه برخوردار بوده و پس‌از آن به ترتیب، چالش‌های ناشی از اقدامات وزارت علوم، موانع و محدودیت‌های قانونی، مشکلات مالی و اقتصادی، مسائل آموزشی و شرایط اجتماعی قرار دارد. در ادامه به تشریح چالش‌های مربوط به هر یک از شش دسته یادشده پرداخته می‌شود. توضیح: در این پژوهش دامنه تغییرات میانگین از ۱ تا ۵ در نظر گرفته‌شده و برای تعیین موقعیت هریک از چالش‌های موردبررسی از یک طیف پنج‌قسمتی به شرح زیر استفاده‌شده است:

بسیار زیاد (۵- ۴/۲)، زیاد (۴/۱۹- ۳/۴) تا حدی (۳/۳۹- ۲/۶)، کم (۲/۵۹- ۱/۸)، بسیار کم (۱/۷۹- ۱)

جدول شماره ۳: چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی ایران

مؤلفه	میانگین (۱-۵)	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
چالش‌های ساختار اداری و سازمانی					
استفاده رایگان دانشگاه آزاد و پیام نور از تریبون‌های رسمی	۴/۴۹	۰/۷۷	۲۷/۰۱	۱۹۷	۰/۰۰۰
وجود تبعیض در برخورداری از امکانات دولتی میان مؤسسات غیرانتفاعی با دانشگاه‌های دولتی	۴/۴۶	۰/۷۹	۲۵/۹۲	۱۹۷	۰/۰۰۰
نبود همکاری لازم و مناسب سازمان‌های دولتی	۴/۰۳	۰/۸۱	۱۷/۹۷	۱۹۸	۰/۰۰۰
وجود مؤسسات شبه‌دولتی در فهرست مؤسسات غیرانتفاعی	۴/۰۳	۰/۹۸	۱۴/۶۹	۱۹۶	۰/۰۰۰
چالش‌های ناشی از اقدامات وزارت علوم					
افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های پیام نور، آزاد، علمی کاربردی	۴/۸۲	۰/۵۸	۴۴/۱۸	۱۹۹	۰/۰۰۰
گسترش بی‌رویه پردیس‌ها و شعب دانشگاه‌های دولتی	۴/۶۰	۰/۷۷	۲۹/۲۰	۱۹۸	۰/۰۰۰
استفاده نکردن از مؤسسات غیرانتفاعی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین مقررات	۴/۲۲	۰/۷۹	۲۱/۷۸	۱۹۸	۰/۰۰۰
نبود شرایط مناسب اعطای بورس تحصیلی به هیئت‌علمی مؤسسات غیرانتفاعی	۴/۱۰	۰/۹۸	۱۵/۸۳	۱۹۹	۰/۰۰۰
مشخص نبودن سیاست‌های وزارت علوم در مورد مؤسسات غیرانتفاعی	۴/۰۱	۰/۹۸	۱۴/۵۱	۱۹۶	۰/۰۰۰
نبود یک نظام رتبه‌بندی مناسب برای مؤسسات غیرانتفاعی	۳/۸۵	۰/۸۵	۱۴/۰۷	۱۹۹	۰/۰۰۰
محدودیت دانشجویان مؤسسات غیرانتفاعی در استفاده از برخی خدمات آموزشی و پژوهشی دولتی	۳/۵۵	۰/۹۶	۸/۰۱	۱۹۱	۰/۰۰۰
چالش‌های ناشی از موانع و محدودیت‌های قانونی					
فقدان مصوبات حمایتی و قانونی از جانب وزارت علوم برای ارائه تسهیلات لازم به مؤسسات غیرانتفاعی	۴/۳۷	۰/۹۶	۲۰/۱۷	۱۹۹	۰/۰۰۰
محدودیت اغلب مؤسسات غیرانتفاعی در استفاده از موقوفات، نذورات و خیرات موجود	۴/۰۳	۱/۱۰	۱۳/۰۸	۱۹۷	۰/۰۰۰
معاف نبودن مؤسسه از برخی مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌های بیمه	۳/۹۸	۰/۹۶	۱۴/۴۲	۱۹۵	۰/۰۰۰
نبود ضوابط یکسان برای توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (وجود روابط ناعادلانه)	۳/۹۷	۰/۹۸	۱۴/۰۴	۱۹۷	۰/۰۰۰
ضعف در برخورد قانونی با مؤسسات متخلف و فاقد کیفیت	۳/۹۰	۰/۹۳	۱۳/۶۱	۱۹۹	۰/۰۰۰
محصور شدن مؤسسه در ضوابط و مقررات ابلاغ‌شده از سوی وزارت علوم	۳/۵۲	۱/۰۹	۶/۷۶	۱۹۹	۰/۰۰۰
فقدان مقررات و ضوابط جامع و به‌روز و خاص بخش غیرانتفاعی	۳/۴۵	۱/۰۱	۶/۴۰	۱۹۷	۰/۰۰۰
چالش‌های مالی و اقتصادی					
تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی غیردولتی (به دلیل	۴/۱۹	۰/۸۸	۱۹/۰۴	۱۹۸	۰/۰۰۰

وجود ریسک و...					
۰/۰۰۰	۱۹۸	۱۸/۱۶	۰/۹۰	۴/۱۶	ناکافی بودن حمایت‌های مالی و حقوقی دولت و وزارت علوم از مؤسسات غیرانتفاعی
۰/۰۰۰	۱۹۳	۱۱/۸۵	۱/۱۱	۳/۹۴	اختصاص تبعیض‌آمیز ردیف بودجه از سوی دولت به برخی از مؤسسات غیرانتفاعی
۰/۰۰۰	۱۹۷	۱۱/۹۰	۱/۱۰	۳/۹۳	تمایل نداشتن خیرین به کمک‌رسانی به مؤسسات غیرانتفاعی
۰/۰۰۰	۱۹۹	۱۳/۲۶	۰/۹۰	۳/۸۵	نا توانی برخی از دانشجویان در پرداخت شهریه
۰/۰۰۰	۱۹۶	۱۰/۴۱	۱/۱۰	۳/۸۲	مشکل اخذ تسهیلات مالی
۰/۰۰۰	۱۹۷	۱۰/۹۹	۱	۳/۷۸	تناسب نداشتن شهریه تعیین‌شده برای دانشجویان با مخارج مؤسسه
۰/۰۰۰	۱۹۸	۸/۷۵	۱/۲۳	۳/۷۶	مشکلات ناشی از خرید زمین، احداث بنا و ساختمان برای توسعه مؤسسه
۰/۰۰۰	۱۹۵	۵/۸۵	۱/۰۷	۳/۴۴	تأخیر در پرداخت وام شهریه و یارانه غذای دانشجویی از سوی وزارت علوم
چالش‌های آموزشی					
۰/۰۰۰	۱۹۹	۲۰/۷۶	۰/۸۵	۴/۲۶	موانع موجود بر سر راه توسعه مؤسسات غیرانتفاعی به‌ویژه در مورد افزایش تعداد رشته‌ها، مقاطع و...
۰/۰۰۰	۱۹۶	۱۲/۹۳	۰/۹۹	۳/۹۱	تمایل نداشتن دانشجویان به تحصیل در برخی از رشته‌ها مانند علوم پایه
۰/۰۰۰	۱۹۸	۱۲/۸۸	۰/۹۸	۳/۸۹	وجود تلقی از مفهوم غیرانتفاعی که مترادف با عدم جدیت و سخت‌کوشی است.
۰/۰۰۰	۱۹۸	۱۱/۷۵	۱	۳/۸۳	عملی نبودن استاندارد تعیین‌شده از سوی وزارت علوم درباره نسبت اعضای هیئت‌علمی به دانشجو
۰/۰۰۶	۱۹۷	۲/۷۵	۱/۰۵	۳/۲۰	جذب استادان مجرب در دانشگاه‌های دولتی و استفاده از اساتید در سطح پایین در مؤسسات غیردولتی
۰/۸۹۶	۱۹۶	۰/۱۳	۱/۰۸	۳/۰۱	تمایل نداشتن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی به تدریس در برخی از مؤسسات غیرانتفاعی
چالش‌های ناشی از شرایط اجتماعی					
۰/۰۰۰	۱۹۹	۲۹/۷۲	۰/۷۵	۴/۵۷	احتمال کاهش داوطلبان ورود به دانشگاه به علت کاهش رشد جمعیت
۰/۰۰۰	۱۹۹	۱۳/۵۲	۰/۹۲	۳/۸۸	اطلاع‌رسانی غلط رسانه‌های جمعی درباره مؤسسات غیرانتفاعی
۰/۰۱۰	۱۹۹	۲/۶۰	۱/۰۸	۳/۲۰	تمایل نداشتن سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی در جذب فارغ‌التحصیلان مؤسسات غیرانتفاعی
۰/۱۱۴	۱۹۷	-۱/۵۸	۱/۰۷	۲/۸۷	محدودیت طبقات کم‌درآمد در راه‌یابی به آموزش عالی غیردولتی
۰/۰۰۰	۱۹۵	-۹/۹۶	۰/۹۸	۲/۲۹	اعتبار ضعیف دانشگاه‌های خصوصی در نزد مردم و سازمان‌ها

چالش‌های ساختار اداری و سازمانی

ساختار اداری و سازمانی موجود، چالش‌های مختلفی را در مسیر فعالیت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به وجود آورده است. اهم این موارد را می‌توان به شرح زیر دانست:

محدودیت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در استفاده از تریبون‌های رسمی در مقابل دسترسی رایگان دانشگاه‌های دیگر، در زمره چالش‌های مطرح بر سر راه این‌گونه مراکز است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ۸۹/۴ درصد از پژوهشگران وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. ۸/۶ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۲ درصد نیز آن را کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۴/۴۹) می‌توان وجود این چالش را برای مؤسسات مذکور در سطح بسیار زیادی مورد تأیید قرار داد.

- وجود تبعیض در برخورداری از امکانات دولتی میان مؤسسات غیرانتفاعی با دانشگاه‌های دولتی از جمله چالش‌های مطرح بر سر راه این قبیل مراکز است. نتایج حاصله حاکی از آن است که ۸۹/۹ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد تأیید کرده‌اند. ۷/۱ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۳ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین محاسبه‌شده (۴/۶۶) می‌توان گفت مؤسسات مذکور در سطح بسیار زیادی با این چالش روبه‌رو هستند.
- نبود همکاری لازم و مناسب سازمان‌های دولتی از جمله چالش‌هایی است که پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دارد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۷۶/۹ درصد پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. ۱۹/۱ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۴ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر پایه میانگین حاصله (۴/۰۳) می‌توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.
- وجود مؤسسات شبه‌دولتی در فهرست مؤسسات غیرانتفاعی، می‌تواند به‌عنوان یکی از چالش‌های مطرح در پیشروی این قبیل مراکز باشد. بررسی یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۷۴/۱ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۱۷/۸ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و در این میان ۸/۱ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۰۳) می‌توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش روبه‌رو هستند.

چالش‌های ناشی از اقدامات وزارت علوم

مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، ضمن فعالیت خود با چالش‌های ناشی از تصمیم‌ها و اقدامات وزارت علوم روبه‌رو بوده است. اهم این موارد را می‌توان به شرح زیر دانست:

- افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های پیام نور، آزاد، علمی کاربردی و...، می‌تواند به‌عنوان یکی از چالش‌های مطرح در پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی باشد. بررسی یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۹۶/۱ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۲ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۲ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۸۲) می‌توان دریافت مؤسسات یادشده در سطح بسیار زیادی با این چالش روبه‌رو هستند.
- از دیگر چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، گسترش بی‌رویه پردیس‌ها و شعب دانشگاه‌های دولتی به‌عنوان رقیب جدی برای این‌گونه مؤسسات است. با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت از پژوهیدگان ۹۲/۵ درصد وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۴/۵ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که تنها ۳ درصد از آنان وجود این چالش را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۶۰) می‌توان وجود این چالش را در سطح بسیار زیادی مورد تأیید قرارداد.
- از جمله چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، استفاده نکردن از این مؤسسات در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین مقررات است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که ۸۸/۴ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و حتی بسیار زیاد گفته‌اند. ۱۲/۱ درصد وجود آن را تا حدودی پذیرفته و تنها ۳/۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم می‌دانند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۲۲) می‌توان وجود این چالش را در سطح بسیار زیاد مورد تأیید قرارداد.
- یکی دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، نبود شرایط مناسب اعطای بورس تحصیلی به اعضای هیئت‌علمی این‌گونه مؤسسات است. با نگاهی بر یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت ۷۳/۵ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۱۹/۵ درصد نیز وجود آن را تا حدی تأیید کرده و این در حالی

است که ۷ درصد آن را در سطح کم و حتی بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۱۰) می‌توان اظهار داشت مؤسسات موردنظر تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.

➤ از دیگر چالش‌های مطرح برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، مشخص نبودن سیاست‌های وزارت علوم در مورد این‌گونه مؤسسات است. با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت از پژوهیدگان ۷۲/۱ درصد وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۱۹/۸ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که تنها ۸/۱ درصد از آنان وجود این چالش را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۰۱) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ ازجمله چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، نبود یک نظام رتبه‌بندی مناسب برای این‌گونه مؤسسات است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که ۶۹/۲ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و حتی بسیار زیاد گفته‌اند. ۲۵/۴ درصد وجود آن را تا حدودی پذیرفته و تنها ۵/۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم می‌دانند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۸۵) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ یکی دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، محدودیت دانشجویان این‌گونه مراکز در استفاده از برخی خدمات آموزشی و پژوهشی دولتی (نظیر طرح غدیر) است. با نگاهی بر یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت ۵۱/۶ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۳۷/۵ درصد نیز وجود آن را تا حدی تأیید کرده و این در حالی است که ۱۰/۹ درصد آن را در سطح کم و حتی بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۵۵) می‌توان اظهار داشت مؤسسات موردنظر تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.

چالش‌های ناشی از موانع و محدودیت‌های قانونی

ازجمله چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی می‌توان به مواردی اشاره کرد که ناشی از نبود و یا کمبود برخی از قوانین و مقررات و یا حتی برداشت‌های مختلف از آن‌ها است. اهم این موارد را می‌توان به شرح زیر دانست:

➤ فقدان مصوبات حمایتی و قانونی از جانب وزارت علوم برای ارائه تسهیلات لازم (مانند زمین) به مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، از دیگر چالش‌هایی است که پیشروی این‌گونه مراکز قرار دارد. با مروری بر نتایج پژوهش می‌توان دریافت ۸۵/۱ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد تأیید کرده‌اند. ۹ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۶ درصد وجود آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۴/۳۷) می‌توان وجود این چالش را در سطح بسیار زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ محدودیت اغلب مؤسسات آموزش عالی غیردولتی در استفاده از موقوفات، نذورات و خیرات موجود، ازجمله چالش‌های مطرح بر سر راه این‌گونه مراکز است. مروری بر یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۷۱/۸ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. ۱۷/۲ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۱۱/۱ درصد نیز آن را در سطح کم یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۴/۰۳) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی موردپذیرش قرارداد.

➤ معاف نبودن مؤسسه از برخی مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌های بیمه در زمره چالش‌های مطرح بر سر راه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ۷۴ درصد از پژوهیدگان وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. ۱۸/۹ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و ۷/۱ درصد نیز آن را کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۹۸) می‌توان وجود این چالش را برای مؤسسات مذکور تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

- نبود ضوابط یکسان برای توسعه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از جمله چالش های مطرح بر سر راه مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی است. نتایج حاصله حاکی از آن است که ۷۴/۲ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده اند. ۱۷/۲ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۸/۶ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم ذکر کرده اند. با توجه به میانگین محاسبه شده (۳/۹۷) می توان گفت مؤسسات مذکور تا حد زیادی وجود این چالش را مورد تأیید قرار داده اند.
- ضعف در برخورد قانونی با مؤسسات متخلف و فاقد کیفیت نیز از جمله چالش های مطرح بر سر راه دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. با نگاهی بر یافته های پژوهش می توان دریافت که ۶۶/۶ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده اند. ۲۶/۴ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۷ درصد نیز آن را در سطح کم و بسیار کم گفته اند. با توجه به میانگین به دست آمده (۳/۹۰) می توان دریافت مؤسسات مذکور تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.
- از جمله چالش هایی که پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دارد، محصور شدن آن ها در ضوابط و مقررات ابلاغ شده از سوی وزارت علوم است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۵۵/۷ درصد پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته اند. ۲۸/۹ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۱۵/۵ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته اند. بر پایه میانگین حاصله (۳/۵۲) می توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.
- فقدان مقررات و ضوابط جامع و به روز و خاص بخش غیرانتفاعی، می تواند به عنوان یکی از چالش های مطرح در پیشروی دانشگاه ها و مؤسسات این بخش به شمار آید. بررسی یافته های تحقیق حاکی از آن است که ۵۳/۵ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می دانند. ۳۰/۳ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و در این میان ۱۶/۱ درصد آن را در سطح کم و یا بسیار کم ذکر کرده اند. با توجه به میانگین به دست آمده (۳/۴۵) می توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش روبه رو هستند.

چالش های مالی و اقتصادی

مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی با چالش های مالی و اقتصادی گوناگونی روبه رو است. اهم این موارد را می توان به شرح زیر دانست:

- تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه گذاری در آموزش عالی غیردولتی از جمله چالش های مطرح بر سر راه این گونه مراکز است که معمولاً به دلیل وجود ریسک و نامطمئن بودن سود روی می دهد. نتایج حاصله حاکی از آن است که ۸۰/۹ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده اند. ۱۴/۶ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۴/۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم ذکر کرده اند. با توجه به میانگین محاسبه شده (۴/۱۹) می توان گفت مؤسسات مذکور تا حد زیادی با این چالش روبه رو هستند.
- ناکافی بودن حمایت های مالی و حقوقی دولت و وزارت علوم از مؤسسه های آموزش عالی غیردولتی (به ویژه در اموری مانند واگذاری زمین و سایر تسهیلات)، از جمله چالش های مطرح بر سر راه این گونه مراکز است. مروری بر یافته های پژوهش حاکی از آن است که ۷۷/۴ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش مذکور را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته اند. ۱۸/۶ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۴ درصد نیز آن را در سطح کم یا بسیار کم گفته اند. بر اساس میانگین حاصله (۴/۱۶) می توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد پذیرش قرارداد.
- اختصاص تبعیض آمیز ردیف بودجه از سوی دولت به برخی از مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، از دیگر چالش هایی است که پیشروی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دارد. با مروری بر نتایج پژوهش می توان دریافت

۶۸/۵ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد تأیید کرده‌اند. ۲۱/۱ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۱۰/۳ درصد وجود آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۹۴) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ از جمله چالش‌هایی که پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دارد، تمایل نداشتن خیرین به کمک‌رسانی به این‌گونه مؤسسات است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۷۱/۷ درصد پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. ۱۵/۷ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۱۲/۶ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر پایه میانگین حاصله (۳/۹۳) می‌توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.

➤ ناتوانی برخی از دانشجویان در پرداخت شهریه، از دیگر چالش‌هایی است که پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی قرار دارد. با مروری بر نتایج پژوهش می‌توان دریافت ۶۶/۲ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد تأیید کرده‌اند. ۲۶/۹ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و تنها ۷ درصد وجود آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۸۵) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ مشکل اخذ تسهیلات مالی نیز از جمله چالش‌های مطرح بر سر راه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. با نگاهی بر یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که ۶۷ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۱۹/۸ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۱۳/۲ درصد نیز آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۸۲) می‌توان دریافت مؤسسات مذکور تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.

➤ از جمله چالش‌هایی که پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی قرار دارد، تناسب نداشتن شهریه تعیین‌شده برای دانشجویان با مخارج این‌گونه مؤسسات است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۶۲/۷ درصد پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. ۲۸/۳ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۹/۱ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر پایه میانگین حاصله (۳/۷۸) می‌توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش مواجه هستند.

➤ از جمله چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، مشکلات ناشی از خرید زمین، احداث بنا و ساختمان برای توسعه مؤسسه است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که ۶۵/۹ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و حتی بسیار زیاد گفته‌اند. ۱۷/۶ درصد وجود آن را تا حدودی پذیرفته و ۱۶/۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم می‌دانند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۷۶) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ تأخیر در پرداخت وام شهریه و یارانه غذای دانشجویی از سوی وزارت علوم به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، از جمله چالش‌های مطرح بر سر راه این‌گونه مراکز است. مروری بر یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۴۴/۴ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش مذکور را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. ۳۷/۲ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۱۸/۴ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۴۴) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد پذیرش قرارداد.

چالش‌های آموزشی

مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی همچنین با چالش‌های مختلفی در حوزه امور آموزشی روبرو است. اهم این موارد را می‌توان به شرح زیر دانست:

➤ موانع موجود بر سر راه توسعه مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به‌ویژه در مورد افزایش تعداد رشته‌ها، مقاطع و... نیز از جمله چالش‌های مطرح بر سر راه این قبیل مراکز است. با نگاهی بر یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که ۸۱/۶ درصد از

پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۱۴/۹ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۳/۵ درصد نیز آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۲۶) می‌توان دریافت مؤسسات مذکور در سطح بسیار زیادی با این چالش مواجه هستند.

➤ تمایل نداشتن دانشجویان به تحصیل در برخی از رشته‌ها مانند علوم پایه در زمره چالش‌های مطرح بر سر راه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ۶۹ درصد از پژوهیدگان وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. ۲۱/۸ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و ۹/۱ درصد نیز آن را کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۹۱) می‌توان وجود این چالش را برای مؤسسات مذکور تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.

➤ وجود تلقی از مفهوم غیرانتفاعی که مترادف با عدم جدیت و سخت‌کوشی است، می‌تواند به‌عنوان یکی از چالش‌های مطرح در پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی باشد. بررسی یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۶۸/۹ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۲۳/۶ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و در این میان ۷/۵ درصد نیز آن را در سطح کم و یا بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۸۹) می‌توان دریافت مؤسسات یادشده تا حد زیادی با این چالش روبه‌رو هستند.

➤ عملی نبودن استاندارد تعیین‌شده از سوی وزارت علوم درباره نسبت اعضای هیئت‌علمی به دانشجو برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، از جمله چالش‌های مطرح بر سر راه این‌گونه مراکز است. مروری بر یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۶۵/۸ درصد از پژوهیدگان، وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد گفته‌اند. ۲۵/۱ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۹ درصد نیز آن را در سطح کم یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۸۳) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی موردپذیرش قرارداد.

➤ جذب استادان نخبه و مجرب و در سطح بالا در دانشگاه‌های دولتی و استفاده از اساتید در سطح پایین در مؤسسات غیردولتی از جمله چالش‌های مطرح بر سر راه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. نتایج حاصله حاکی از آن است که ۳۶/۳ درصد از پژوهیدگان، وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۴۰/۴ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۲۳/۳ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین محاسبه‌شده (۳/۲۰) می‌توان گفت مؤسسات مذکور تا حدودی با این چالش مواجه هستند.

➤ تمایل نداشتن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی به تدریس در برخی از مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، از دیگر چالش‌هایی است که پیشروی برخی از این مراکز قرار دارد. با مروری بر نتایج پژوهش می‌توان دریافت ۴۰ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد تأیید کرده‌اند. ۳۷/۱ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و ۳۲ درصد وجود آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۳/۰۱) می‌توان وجود این چالش را تا حدی مورد تأیید قرارداد.

چالش‌های ناشی از شرایط اجتماعی

شرایط اجتماعی و فرهنگی، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی را با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو ساخته است. اهم این موارد را می‌توان به شرح زیر دانست:

➤ از جمله چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، احتمال کاهش داوطلبان ورود به دانشگاه به علت کاهش رشد جمعیت است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که ۹۰/۶ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و حتی بسیار زیاد گفته‌اند. ۸ درصد وجود آن را تا حدودی پذیرفته و تنها ۱/۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم می‌دانند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۴/۵۷) می‌توان وجود این چالش را در سطح بسیار زیاد مورد تأیید قرارداد.

- از دیگر چالش‌های پیشروی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، اطلاع‌رسانی غلط رسانه‌های جمعی درباره این‌گونه مؤسسات است. با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت از پژوهیدگان، ۶۸/۷ درصد وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۲۴/۹ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که تنها ۶/۵ درصد از آنان وجود این چالش را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۸۸) می‌توان وجود این چالش را تا حد زیادی مورد تأیید قرارداد.
- یکی دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، تمایل نداشتن سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی در جذب فارغ‌التحصیلان این‌گونه مؤسسات است. با نگاهی بر یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت ۳۷/۸ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۳۷/۳ درصد نیز وجود آن را تا حدی تأیید کرده و این در حالی است که ۲۴/۹ درصد آن را در سطح کم و حتی بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۳/۲۰) می‌توان اظهار داشت مؤسسات موردنظر تا حدودی با این چالش مواجه هستند.
- محدودیت طبقات کم‌درآمد در راه‌یابی به آموزش عالی غیردولتی در زمره چالش‌های مطرح بر سر راه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که ۲۶/۳ درصد از پژوهیدگان وجود چالش یادشده را در سطح زیاد و بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. ۳۸/۴ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و ۳۵/۳ درصد نیز آن را کم و یا بسیار کم گفته‌اند. بر اساس میانگین حاصله (۲/۸۷) می‌توان وجود این چالش را برای مؤسسات مذکور تا حدودی مورد تأیید قرارداد.
- یکی دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، اعتبار ضعیف این مراکز در نزد مردم و سازمان‌ها است. با نگاهی بر یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت تنها ۸/۲ درصد از پژوهیدگان وجود این چالش را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۳۵/۷ درصد نیز وجود آن را تا حدی تأیید کرده و این در حالی است که ۵۶/۱ درصد آن را در سطح کم و حتی بسیار کم ذکر کرده‌اند. با توجه به میانگین به‌دست‌آمده (۲/۲۹) می‌توان اظهار داشت مؤسسات موردنظر به مقدار کمی با این چالش مواجه هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق گویای آن است که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی ضمن فعالیت خود با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند. با نگاهی بر میانگین موارد مذکور می‌توان دریافت که در این میان چالش‌های مربوط به ساختار اداری و سازمانی از بالاترین درجه اهمیت برخوردار بوده و پس از آن به ترتیب، چالش‌های ناشی از اقدامات وزارت علوم، موانع قانونی، مشکلات مالی و اقتصادی، مسائل آموزشی و محدودیت‌های اجتماعی قرار دارد.

ساختار اداری و سازمانی موجود، چالش‌هایی را برای مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی به وجود آورده است. از جمله این موارد که تا حد بسیار زیادی مراکز یادشده را تحت تأثیر قرار داده می‌توان به محدودیت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی در استفاده از تربیون‌های رسمی و وجود تبعیض در برخورداری از امکانات دولتی میان مؤسسات غیرانتفاعی با دانشگاه‌های دولتی اشاره کرد. علاوه بر این مؤسسات مذکور تا حد زیادی با مواردی از قبیل نبود همکاری لازم و مناسب سازمان‌های دولتی و وجود مؤسسات شبه‌دولتی در فهرست مؤسسات غیرانتفاعی، روبه‌رو هستند. خاطرنشان می‌سازد یافته‌های مذکور با نتایج مطالعات آهون‌منش (۱۳۹۲) و مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷) در این‌باره، همخوانی دارد.

برخی دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی ناشی از اقدامات و تصمیم‌های وزارت علوم است. از جمله این موارد که تا حد بسیار زیادی مراکز یادشده را تحت تأثیر قرار داده می‌توان به افزایش بی‌رویه ظرفیت پذیرش دانشجو در سایر زیر نظام‌های آموزش عالی و گسترش بی‌رویه پردیس‌ها و شعب دانشگاه‌های دولتی و استفاده نکردن از مؤسسات غیرانتفاعی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تدوین مقررات اشاره کرد. علاوه بر این مؤسسات یادشده تا حد زیادی با مواردی از قبیل نبود شرایط

مناسب اعطای بورس تحصیلی به هیئت‌علمی خود، مشخص نبودن سیاست‌های وزارت علوم درباره این‌گونه مؤسسات، نبود یک نظام رتبه‌بندی مناسب و محدودیت دانشجویان مؤسسات یادشده در استفاده از برخی خدمات آموزشی و پژوهشی دولتی، روبه‌رو هستند. شایان ذکر است این یافته‌ها با نتایج مطالعات آهون‌منش (۱۳۹۲)، نادری و دیگران (۱۳۹۱)، اسدی و دیگران (۱۳۹۲)، مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷)، آل لامکی (۲۰۰۶)، عمادزاده (۱۳۸۸) و جلالی نائینی (۱۳۷۷)، در این‌باره همخوانی دارد.

برخی دیگر از چالش‌های مؤسسات آموزش عالی غیردولتی ناشی از وضعیت قوانین و مقررات موجود است. از جمله این موارد که تا حد بسیار زیادی مراکز یادشده را تحت تأثیر قرار داده می‌توان به فقدان مصوبات حمایتی و قانونی از جانب وزارت علوم برای ارائه تسهیلات لازم به مؤسسات غیرانتفاعی اشاره کرد. علاوه بر این مؤسسات یادشده تا حد زیادی با مواردی از قبیل محدودیت در استفاده از موقوفات، نذورات و خیرات موجود، معاف نبودن از برخی مالیات‌ها، عوارض و تعرفه‌های بیمه، نبود ضوابط یکسان برای توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (وجود روابط ناعادلانه)، ضعف در برخورد قانونی با مؤسسات متخلف و فاقد کیفیت، محصور شدن در ضوابط و مقررات ابلاغ‌شده از سوی وزارت علوم و فقدان مقررات و ضوابط جامع و به‌روز و خاص بخش غیرانتفاعی، روبه‌رو هستند. خاطرنشان می‌سازد یافته‌های مذکور با نتایج مطالعات اسدی و دیگران (۱۳۹۲)، مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷) و آهون‌منش (۱۳۹۳)، در این‌باره همخوانی دارد.

پاره‌ای دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، مربوط به امور مالی و اقتصادی است. از جمله این موارد که تا حد زیادی مراکز یادشده را تحت تأثیر قرار داده می‌توان به تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در آموزش عالی غیردولتی (به دلیل وجود ریسک و...)، ناکافی بودن حمایت‌های مالی و حقوقی دولت و وزارت علوم، اختصاص تبعیض‌آمیز ردیف بودجه از سوی دولت به برخی از مؤسسات غیرانتفاعی، تمایل نداشتن خیرین به کمک‌رسانی، ناتوانی برخی از دانشجویان در پرداخت شهریه، مشکل اخذ تسهیلات مالی، تناسب نداشتن شهریه تعیین‌شده برای دانشجویان با مخارج مؤسسات، مشکلات ناشی از خرید زمین، احداث بنا و ساختمان برای توسعه و تأخیر در پرداخت وام شهریه و یارانه غذای دانشجویی از سوی وزارت علوم، اشاره کرد. شایان ذکر است این یافته‌ها با نتایج مطالعات آل لامکی (۲۰۰۶)، نادری و دیگران (۱۳۹۱)، حمدی و روشن (۱۳۹۰)، آهون‌منش (۱۳۹۲)، مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷) و اسدی و دیگران (۱۳۹۲)، در این‌باره همخوانی دارد.

چالش‌های مربوط به امور آموزشی از دیگر مشکلاتی است که گریبان‌گیر مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. از جمله این موارد که تا حد بسیار زیادی مراکز یادشده را تحت تأثیر قرار داده می‌توان به موانع موجود بر سر راه توسعه مؤسسات غیرانتفاعی به‌ویژه در مورد افزایش تعداد رشته‌ها، مقاطع و... اشاره کرد. علاوه بر این مؤسسات یادشده تا حد زیادی با مواردی از قبیل تمایل نداشتن دانشجویان به تحصیل در برخی از رشته‌ها، وجود تلقی از مفهوم غیرانتفاعی که مترادف با عدم جدیت و سخت‌کوشی است و عملی نبودن استاندارد تعیین‌شده از سوی وزارت علوم درباره نسبت اعضای هیئت‌علمی به دانشجو روبه‌رو هستند. ضمناً این مراکز تا حدودی نیز با برخی از چالش‌ها نظیر جذب استادان معرب در دانشگاه‌های دولتی و استفاده از استادان در سطح پایین در مؤسسات غیردولتی و تمایل نداشتن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های دولتی به تدریس در برخی از مؤسسات غیرانتفاعی مواجه هستند. خاطرنشان می‌سازد یافته‌های مذکور با نتایج مطالعات اسدی و دیگران (۱۳۹۲)، اسدی (۱۳۹۰)، آهون‌منش (۱۳۹۲)، توکل (۱۳۷۸) و نادری و دیگران (۱۳۹۱)، در این‌باره همخوانی دارد.

برخی دیگر از چالش‌های پیشروی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی برخاسته از شرایط اجتماعی و فرهنگی موجود است. از جمله این موارد که تا حد بسیار زیادی مراکز یادشده را تحت تأثیر قرار داده می‌توان به احتمال کاهش داوطلبان ورود به دانشگاه به علت کاهش رشد جمعیت اشاره کرد. علاوه بر این مؤسسات یادشده تا حد زیادی با مواردی از قبیل اطلاع‌رسانی غلط رسانه‌های جمعی، روبه‌رو هستند. ضمناً این مراکز تا حدودی نیز با برخی از چالش‌ها نظیر تمایل نداشتن سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و خصوصی در جذب فارغ‌التحصیلان مؤسسات غیرانتفاعی و محدودیت طبقات کم‌درآمد در راه‌یابی به آموزش عالی غیردولتی مواجه‌اند. شایان ذکر

است این یافته‌ها با نتایج مطالعات آهون‌منش (۱۳۹۲)، اسدی و دیگران (۱۳۹۲)، نادری و دیگران (۱۳۹۱) و مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷) در این باره، همخوانی دارد.

لازم به ذکر است یافته‌های تحقیق گویای آن است که مؤسسات مذکور صرفاً به مقدار کمی با مشکل اعتبار ضعیف دانشگاه‌های خصوصی در نزد مردم و سازمان‌ها روبه‌رو هستند که این یافته با نتایج مطالعات آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) و خدمتیان (۱۳۹۱)، در این باره همخوانی ندارد.

با نگاهی بر آنچه آورده شد، می‌توان دریافت یافته‌های این پژوهش با نگرش سیستمی قابل‌تعبیر و تفسیر است چراکه بر این پایه می‌توان بخش خصوصی آموزش عالی را به‌مثابه یک سیستم در نظر گرفت که متأثر از عوامل محیطی است. تأثیر منفی برخی از این عوامل به‌اندازه‌ای است که می‌تواند عملکرد این سیستم را با اختلال روبه‌رو ساخته و یا ادامه حیات آن را به مخاطره بیندازد.

پیشنهاد‌های اجرایی

در این بخش با توجه به نتایج مصاحبه‌های انجام‌شده با صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امور اجرایی و دیگر یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت بخش خصوصی آموزش عالی ارائه می‌گردد.

➤ از آنجاکه خالی ماندن ظرفیت مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی منشأ بسیاری از چالش‌های یادشده است، پیشنهاد می‌شود با ساماندهی فرآیند پذیرش دانشجو در سایر زیر نظام‌های آموزش عالی، به‌گونه‌ای اقدام شود تا توزیع دانشجویان در دانشگاه‌ها و مؤسسات مطلع برحسب یک برنامه منظم و منطقی صورت پذیرد.

➤ دولت و وزارت علوم می‌تواند با تصویب ضوابط و مقررات حمایتی (اعم از حقوقی، مالی و...) نسبت به تقویت بخش خصوصی آموزش عالی اقدام کند. این حمایت باید هدفمند، مستمر و به‌دوراز تبعیض باشد.

➤ دولت و وزارت علوم برحسب وظایف ذاتی خود لازم است تا بر فرآیند امور آموزشی در این‌گونه مؤسسات نظارت داشته و در صورت بروز هرگونه تخلف به نحو مقتضی با آن برخورد نمایند. این نکته موجب تضمین کیفیت در این بخش و کسب اعتبار لازم در جامعه خواهد شد.

➤ توسعه کمی و کیفی بخش خصوصی آموزش عالی می‌تواند ضمن برطرف کردن برخی مشکلات موجود، زمینه را برای بقا و حتی اعتلای این بخش فراهم کند.

➤ در تدوین قوانین و تنظیم مقررات مربوط به بخش خصوصی آموزش عالی باید به‌گونه‌ای اقدام شود تا ضمن توجه به اهداف علمی و فرهنگی، منافع سرمایه‌گذاران نیز تأمین‌شده و امکان جلب مشارکت فعالان اقتصادی در این زمینه فراهم شود.

منابع

- _آراسته، حمیدرضا و اسفندیاری، توران. (۱۳۸۹). خصوصی سازی در آموزش عالی. نشاء علم، سال اول، شماره اول.
- _آهونمنش، علی. (۱۳۹۲). بقای دانشگاه های غیرانتفاعی در خطر است. برگرفته از تارنمای اتحادیه دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی، ۸ خردادماه: www.inguu.org
- _اسدی، فاطمه. (۱۳۹۰). چالش های مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی. پایان نامه مقطع دکترا، دانشگاه ملی تاجیکستان.
- _اسدی، فاطمه و دیگران. (۱۳۹۲). گزارش دفتر آموزش عالی غیردولتی (منتشر نشده).
- _بالازاده، محمدحسین. (۱۳۸۵). اقتصاد آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طراوت.
- _تسنیمی، عباسعلی و سجادی، مهدی. (۱۳۸۰). نقدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز آموزش عالی. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۰، ۴۲-۱۵.
- _توکل، محمد. (۱۳۷۸). وضعیت آموزش عالی در ایران: واقعیت ها و چالش ها. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. شماره ۱۸.
- _توکل، محمد. (۱۳۸۹). جامعه شناسی علم: مباحث نظری. تهران: جامعه شناسان.
- _جاودانی، حمید و دیگران. (۱۳۸۵). بررسی فرصت ها و تهدیدهای آموزش و پرورش کشور با نظر به محیط علمی و نظام آموزش عالی. اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور، کمیته آموزش، وزارتخانه آموزش و پرورش، تهران، ۱۴۹-۱۴۰.
- _جلالی نائینی، زیبا. (۱۳۷۷). خصوصی سازی فرهنگی (نگاهی به تجربه مراکز غیردولتی آموزش عالی). گفتگو، ۲۰، ۱۲۹-۱۲۰.
- _جونز، در. (۱۳۷۲). خصوصی سازی در بخش آموزش عالی. هادی شیرازی بهشتی. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۴، ۲۰۶-۱۸۳.
- _حمیدی، کریم و روشن، احمدرضا. (۱۳۹۰). راهبرد خصوصی سازی آموزش عالی در ایران. پژوهش های مدیریت راهبردی، ۴۸، ۹۰-۷۳.
- _خدمتیار، آمنه. (۱۳۹۱). بررسی نقاط قوت و ضعف برخی از ابعاد خصوصی سازی آموزش عالی ایران از دیدگاه صاحب نظران و ارائه راهکارهایی برای بهبود ارائه آن. دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، گرایش برنامه ریزی آموزشی.
- _ریبیعی، علی و نظریان، زهرا. (۱۳۹۱). موانع خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آنها. آموزش عالی ایران، دوره ۴، شماره ۲، ۲۰۶-۱۷۱.
- _رحمان سرشت، حسین. (۱۳۷۴). گرایش به خصوصی سازی آموزش عالی در ایران و آموزش عالی خصوصی در جهان. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۱ و ۱۲، ۸۰-۷۱.
- _رحیمی کلیشادی، رضا. (۱۳۷۴). خصوصی سازی آموزش عالی و بررسی اثرات و پیامدهای اقتصادی- اجتماعی آن. پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- _صالحی، جواد و دیگران. (۱۳۹۱). بررسی مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی ایران: از دیدگاه رؤسای دانشگاه ها. پژوهش در نظام های آموزشی، سال ششم، شماره ۱۹.
- _صبوری، منوچهر. (۱۳۷۴). جامعه شناسی سازمان ها. تهران: شب تاب.
- _عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۸). تأمین مالی آموزش عالی جایگاه دولت و بخش خصوصی، مجموعه مقالات همایش رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- _قلی پور، آرین. (۱۳۸۸). جامعه شناسی سازمان ها: رویکرد جامعه شناختی به سازمان و مدیریت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- _محدثی گیلوئی، حسن. (۱۳۹۲). پیامدهای تجاری شدن فزاینده آموزش عالی در ایران. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۹، ۹۵-۹۴.
- _مهرخوان، احمد و غمخوار، قاسم. (۱۳۸۷). مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی - غیردولتی (بررسی قابلیت ها، چالش ها و راهبردها). مشهد: آهنگ قلم.
- _نادری، غلامعلی و دیگران. (۱۳۹۱). طرح آمایش آموزش عالی کارگروه توسعه غیرانتفاعی از ۸۹ تا ۹۱. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اداره کل آموزش عالی غیردولتی.

_Crnkovic, B. & Pozega, z. (۲۰۰۷). Causes and models of privatization in higher education. Interdisciplinary Management Research. Fourth Symposium. Faculty of Economics in Osijek. ۱۲۴-۱۳۴.

_Mahmoud. A. A. (۲۰۰۸). Challenges Facing the Privatization of Higher Education in the Arab World. In Proceeding of the International Conference, Ahlia University, Kingdom of Bahrain, ۳-۴ June (pp. ۱۵-۲۰), London, Taylor & Francis Group.

_OECD (۲۰۰۷) Funding Systems and Their Effects on Higher Education Systems: Country study-Austria, OECD.

_Tilak, J. B.G. (۲۰۰۸). Current Trends in Private Higher Education in Asia. In Proceeding of the International Conference of Privatization, January ۷-۸, (pp ۱۱۳-۱۴۳), Samuel Neaman Press.

_Tilak, J. B.G. (۲۰۰۹). Private Sector in Higher Education: A Few Stylized Facts. Social Change, ۳۹(۱), ۱-۲۸.